

Research Article

Jurisprudential and Legal Criticism of the Annulment of the Mavat Decision of the Land Acquisition Board by The Court of Article 49 of the Constitution of Mazandaran Province

Mahdi Khaghani Esfahani ¹, Hosein Rasouli Asiyabi ²

Abstract

The government's ownership of favorable lands outside the boundaries of cities and villages is realized after the identification of these lands by the Board of Land Reclamation and Allocation. On the other hand, the Court of Article 49 of the Constitution of Mazandaran Province issued some decisions, despite the knowledge of the inclusion of Article 45 of the Constitution in relation to favorable lands and its field determination by the board, by assuming the ownership of dispossessed persons, the description of infali and the government's ownership of these lands is revoked. Non-observance of jurisdiction regulations in the proceedings, and the supposed inclusion of Article 12 of the amendment of the procedure of proceedings, regarding favorable lands outside the boundaries of cities and villages by the court of Article 49 of the Constitution of Mazandaran province and the executive headquarters, has caused that, contrary to The procedure of the competent courts where the property is located, regarding the nature of the area before 1365 AD, was not investigated by the Article 49 court, and the decision of Wasteland was examined and evaluated considering the documents on the subject of confiscation, which resulted in the cancellation of the decision of Mowat and confiscation. It is owned by the government. With the jurisprudential and legal examination of the action of the Article 49 Court, it is concluded that the favorable lands outside the boundaries of the cities and villages are not subject to Article 12 of the amendment of the regulation on how to deal with the cases of Article 49 and the action of the Court of Article 49 of the Constitution. Appealing for the annulment of the board's favorable decision and expropriation of the government's property is beyond the scope of this court's jurisdiction and contrary to the jurisprudence of the country's official religion and the provisions of Articles 45 and 49 of the Constitution.

Keywords: Article 49 of the Constitution, Article 45 of the Constitution, Land Acquisition Board, Mavat vote, annulment of Mavat vote

¹ - Assistant Professor of Criminal Law and Criminology, The Institute for Research and Development in Humanities (SAMT), Tehran, Iran.

Email: khaghani@samt.ac.ir (Corresponding Author)

²- P.hD Graduate in Islamic Jurisprudence and Law, Mazandaran University, Babolsar, Iran.

Email: hoseinrasoliasiyabi@yahoo.com

مقاله پژوهشی

نقد فقهی و حقوقی ابطال رأی موات هیات واگذاری و احیاء اراضی، توسط دادگاه اصل ۴۹ قانون اساسی استان مازندران

مهدی خاقانی اصفهانی^۳، حسین رسولی آسیابی^۴

چکیده

مالکیت دولت نسبت به اراضی موات خارج از محدوده شهرها و روستاها، بعد از شناسایی این اراضی توسط هیأت واگذاری و احیاء اراضی، محقق می‌شود. از طرفی دادگاه اصل ۴۹ قانون اساسی استان مازندران در برخی از آراء صادره، به رغم آگاهی از شمول اصل ۴۵ قانون اساسی نسبت به اراضی موات و تشخیص میدانی آن توسط هیأت، با دایر فرض نمودن مالکیت اشخاص مسلوب المالكیه، وصف انفالی را زائل و مالکیت دولت نسبت به این اراضی را سلب می‌نماید. با بررسی فقهی و حقوقی اقدام دادگاه اصل ۴۹، این نتیجه حاصل می‌شود که اراضی موات خارج از محدوده شهرها و روستاها، مشمول ماده ۱۲ اصلاحیه آیین نامه نحوه رسیدگی به پرونده‌های اصل ۴۹ نبوده و اقدام دادگاه اصل ۴۹ قانون اساسی، دایر بر ابطال رأی موات هیأت و سلب مالکیت دولت، خارج از حدود صلاحیت این دادگاه و مغایر با فقه مذهب رسمی کشور و مفاد اصل ۴۵ و ۴۹ قانون اساسی است.

واژگان کلیدی: اصل ۴۹ قانون اساسی، اصل ۴۵ قانون اساسی، هیأت واگذاری و احیاء اراضی، رأی موات، ابطال رأی موات.

^۳ - عضو هیأت علمی گروه حقوق و فقه پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی (سمت)، تهران، ایران.

(نویسنده مسؤول) Email: khaghani@samt.ac.ir

^۴ - دانش‌آموخته دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران.

مقدمه

بر اساس نظر کارشناسان (رودگرمی و همکاران، ۱۳۹۸: ۵۵)، قوانین جنگل‌ها و مراتع و ملی‌شدن این دو منبع توسط قوانین سایر بخش‌های مربوط به اراضی مخدوش شده، به‌طوری که برخی از مبانی قوانین اصلی جنگل‌ها و مراتع چون «قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع (۱۳۴۶)» بسیار تضعیف شده است. از جمله قوانین «مرجع تشخیص اراضی موات و ابطال اسناد آن» (۱۳۶۵) و «ماده ۱۲ قانون زمین شهری (۱۳۶۶)» که اراضی ملی‌شده را موات تشخیص و اعلام می‌کند.

دادگاه اصل ۴۹ قانون اساسی استان مازندران در برخی از آراء صادره، رأی موات هیأت واگذاری و احیاء اراضی را با ادعای مصادره اموال نامشروع اشخاص، باطل می‌نماید. در صورت اثبات مشروعیت و قانونی بودن این اقدام دادگاه اصل ۴۹، باید پذیرفت که ابطال رأی موات هیأت واگذاری و احیاء اراضی (خارج از محدوده شهرها و روستاها) و زوال وصف انفالی به‌وسیله آراء صادره از محکمه اصل ۴۹، امری مشروع و قانونی است و در صورت عدم اثبات آن، ابطال رأی موات هیأت واگذاری و احیاء اراضی و سلب مالکیت دولت، توسط دادگاه اصل ۴۹، فاقد وجاهت شرعی و قانونی است.

۱- پیشینه پژوهش

اصغری و ربیع (۱۳۹۶) در مقاله «تحلیل سیاست جنایی مبتنی بر ابزار اداری دولت ایران در قبال اراضی دولتی» تحلیل کرده‌اند که سازمان امور اراضی وابسته به وزارت جهاد کشاورزی با استناد به عام بودن لفظ موات سعی بر آن داشته تا با استفاده از این «ماده واحد قانون مرجع تشخیص اراضی موات و ابطال اسناد آن» اراضی ملی که هنوز اسناد آن به نام دولت صادر نگردیده را نیز موات تشخیص و به منظور اجرای اهداف خود از طریق هیأت‌های هفت نفره واگذاری به اشخاص واگذار می‌نموده است. برعکس سازمان جنگل‌ها و مراتع کشور معتقد است محدوده مورد عمل سازمان امور اراضی ارتباطی با اجرای مقررات قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع کشور توسط آن سازمان ندارد و اصولاً ماده واحد مورد بحث مربوط به زمینه‌هایی است که اشخاص حقیقی یا حقوقی غیردولتی در اختیار دارند؛ اعم از آنکه سند رسمی یا عادی داشته باشند یا نه و کلیه زمین‌هایی که برگ تشخیص آنها توسط جنگلدار به نام و عنوان مرتع، چه مشجر و چه غیرمشجر، ملی اعلام شده خارج از شمول ماده واحد است و سازمان امور اراضی حق ندارد در مورد موات بودن آنها اعلام نظر نماید.

امین فرد و مشکانی (۱۳۹۳) در مقاله «تأثیر حکومت سیاسی بر حکم فقهی استفاده از انفال در دوران غیبت از دیدگاه شیعه» بحث نموده که در دوران غیبت کبری، اگر حکومت اسلامی برقرار باشد و به عنوان یک مدل حکومتی برتر اگر ولایت جامعه با فقیه جامع‌الشرائط باشد، انفال نیز به عنوان یکی از عناصر حکومت سیاسی، در اختیار او قرار می‌گیرد و مردم در میزان، چگونگی استفاده و مالکیت این اموال، باید قوانین جامعه را در نظر بگیرند.

۲- مفاهیم و مبانی نظری فقه و حقوق انفال و اراضی موات

طبق اصل ۴۵ قانون اساسی انفال و ثروت‌های عمومی از قبیل زمین‌های موات یا رهاشده، معادن، دریاها، دریاچه‌ها، رودخانه‌ها و سایر آب‌های عمومی، کوه‌ها، دره‌ها، جنگل‌ها، نیزارها، بیشه‌های طبیعی، مراتعی که حریم نیست، ارث بدون وارث، و اموال مجهول‌المالک و اموال عمومی که از غاصبین مسترد می‌شود در اختیار حکومت اسلامی است تا بر طبق مصالح عامه نسبت به آنها عمل نماید. بر اساس اصل ۴۵ قانون اساسی، زمین‌های موات در اختیار حکومت اسلامی است تا بر طبق مصالح عامه نسبت به آن عمل نماید. در این رابطه، جهت پیشگیری از تصاحب انفال و ثروت‌های عمومی و منع ثروت‌اندوزی از طرق نامشروع، اصل ۴۹ قانون اساسی دولت را موظف نموده است ثروت‌های ناشی از ربا، غصب، رشوه، اختلاس، سرقت، قمار، سوءاستفاده از موقوفات، سوءاستفاده از مقاطعه‌کاری‌ها و معاملات دولتی، فروش زمین‌های موات و مباحات اصلی، دایر کردن اماکن فساد و سایر موارد غیرمشروع را گرفته و به صاحب حق رد کند و در صورت معلوم نبودن او به بیت‌المال بدهد. بر اساس این اصل دادگاه اصل ۴۹ قانون اساسی موظف است اراضی موات موضوع تشخیص هیأت‌های واگذاری و احیاء اراضی را از کسانی که برای آن سند و مدرک مالکیت تهیه کرده‌اند، گرفته و به حکومت اسلامی مسترد نماید.

اما برخلاف نص اصل ۴۹ قانون اساسی، دادگاه اصل ۴۹ قانون اساسی در استان مازندران در برخی از موارد، رأی موات انشائی از سوی هیأت واگذاری و احیاء اراضی را در محدوده اسناد اشخاص مسلوب‌المالکيه باطل و مالکیت دولت را سلب نمود. نقد فقهی و حقوقی رویه قضایی متناقض دادگاه اصل ۴۹ قانون اساسی در استان مازندران، پس از تبیین موضوع در ادامه این نوشتار بحث می‌گردد.

۲-۱- هیأت واگذاری و احیاء اراضی

تشخیص موات بودن اراضی خارج از محدوده شهرها به عهده وزارت کشاورزی است. در ماده واحده قانون مرجع تشخیص اراضی موات و ابطال اسناد آن و آیین‌نامه اجرایی آن از مجری قانون که زیرمجموعه وزارت کشاورزی است به عنوان هیأت، هیأت هفت نفره و هیأت هفت نفره واگذاری و احیاء اراضی یاد شده است. این هیأت بر اساس تعریف اراضی موات در ماده ۱ آیین‌نامه اجرایی قانون مرجع تشخیص اراضی موات، موظف به تشخیص اراضی موات در خارج از محدوده شهرها و روستاهاست.

۲-۲- رأی موات

در ماده واحده قانون مرجع تشخیص اراضی موات و ابطال اسناد آن مصوب ۱۳۶۵ شمسی آمده است: «کلیه اسناد و مدارک مربوط به غیر دولت اعم از رسمی و غیررسمی مربوط به اراضی موات (یا سند مربوط به قسمتی از اراضی که

موات باشد) واقع در خارج از محدوده استحفاظی شهرها به استثناء اراضی که توسط مراجع ذیصلاح دولت جمهوری اسلامی ایران واگذار شده است، باطل و این قبیل اراضی در اختیار دولت جمهوری اسلامی ایران قرار می‌گیرد...» این قانون خاص در مورد شناسایی اراضی موات خارج از محدوده شهرها و روستاها، در واقع جلوه اجرایی اصل ۴۵ قانون اساسی نسبت به کلیه زمین‌های موات خارج از محدوده شهرها و روستاها است. اصطلاح رأی موات برگرفته از مفاد ماده ۲ و تبصره ۱ و ۲ ماده ۳ آیین‌نامه اجرایی قانون مرجع تشخیص اراضی موات مصوب ۱۳۶۶ شمسی است. مفهوم اصطلاح رأی موات در واقع همان اعلام نظر هیأت هفت نفره واگذاری و احیاء اراضی در خصوص ماهیت عرصه‌های تشخیصی به عنوان اراضی موات است. شایان ذکر است در ماده ۱۲ آیین‌نامه نحوه رسیدگی به پرونده‌های موضوع اصل ۴۹ قانون اساسی مصوب رئیس وقت قوه قضائیه، املاک توقیفی از شمول مقررات قانون زمین شهری (داخل محدوده شهرها) استثناء شده و در نتیجه اراضی موات تشخیصی توسط مجری قانون زمین شهری در صورت توقیف و مصادره توسط دادگاه انقلاب و یا دادگاه‌های اصل ۴۹ قانون اساسی، در حکم اراضی فاقد اجرای مقررات قانون زمین شهری تلقی خواهند شد. حکم ماده ۱۲ این آیین‌نامه، ارتباط موضوعی و حکمی با اراضی مشمول رأی موات هیأت هفت نفره ندارد.

۲-۳- ابطال رأی موات

به استناد تبصره ۱ ماده واحده قانون مرجع تشخیص اراضی موات و تبصره ۱ ماده ۳ آیین‌نامه اجرایی آن، اشخاص ذی‌نفع می‌توانند اعتراض خود به تشخیص هیأت واگذاری و احیاء اراضی (هیأت هفت نفره) را به دادگاه محل وقوع ملک تقدیم نمایند. بنابراین تنها طریق اعلامی قانونگذار در جهت ابطال رأی موات هیأت هفت نفره، اعتراض به آن در دادگاه محل وقوع ملک است. ابطال رأی موات با اثبات احیاء عرصه قبل از سال ۱۳۶۵ شمسی (سال تصویب قانون) میسر است. بنابراین اگر ذی‌نفع اثبات کند که عرصه موضوع تشخیص به عنوان اراضی موات بالاصاله قبل از سال تصویب قانون، احیاء شده است، رأی موات به موجب حکم دادگاه محل وقوع ملک باطل می‌شود. استثنائات دیگر از قبیل عدم واگذاری عرصه موات توسط دولت جمهوری اسلامی ایران، وقوع عرصه موات خارج از محدوده قانونی شهرها و روستاها، غیردولتی بودن عرصه موضوع تشخیص، جزء شرایط شکلی تشخیص اراضی موات خارج از محدوده شهرها و روستاها بوده و ارتباطی به تشخیص ماهوی این‌گونه از اراضی ندارند.

۳- چگونگی ابطال رأی موات توسط دادگاه اصل ۴۹

روند شکل‌گیری و تکامل دادگاه‌های ویژه اصل ۴۹ قانون اساسی از تاریخ ۱۳۵۷/۱۲/۹ با فرمان حضرت امام خمینی (ره) آغاز و تا تصویب اصلاحیه آیین‌نامه نحوه رسیدگی به پرونده‌های موضوع اصل ۴۹ قانون اساسی مصوب ۱۳۸۰/۷/۲۸ رئیس قوه قضائیه ادامه داشته است. صدور سند مالکیت اراضی موات برای سلسله پهلوی و شاخه‌ها و عمال و مربوطین به این سلسله را که در طول مدت سلطه غیرقانونی از بیت‌المال اختلاس نموده‌اند، امری واقعی

است. مصادرهٔ اموال این اشخاص در خصوص اراضی مواتی که برای آن سند و مدرک مالکیت تهیه کرده‌اند، در برخی موارد مواجه با تشخیص هیأت واگذاری و احیاء اراضی، به عنوان مجری قانون، مرجع تشخیص اراضی موات است. این مواجهه در برخی موارد منجر به ابطال رأی موات و إلغای مالکیت دولت، توسط دادگاه اصل ۴۹ قانون اساسی استان مازندران شده است. ابطال رأی موات در خصوص اراضی موات موضوع ماده واحده قانون مرجع تشخیص اراضی موات و ابطال اسناد آن مصوب ۱۳۶۵ شمسی توسط دادگاه اصل ۴۹ قانون اساسی استان مازندران، به استناد ماده ۱۲ اصلاحیه آیین‌نامه نحوه رسیدگی به پرونده‌های موضوع اصل ۴۹ به عمل می‌آید. بر اساس ماده ۱۲ اصلاحیه نحوه رسیدگی به پرونده‌های موضوع اصل ۴۹ قانون اساسی، اراضی موات شهری از شمول مقررات اراضی موات شهری استثناء شده و همین حکم استثنائی توسط محکمه اصل ۴۹ قانون اساسی، به اراضی موات خارج از محدوده شهرها و روستاها، موضوع ماده واحده قانون مرجع تشخیص اراضی موات و ابطال اسناد آن تسری داده شده و می‌شود.

۴- دفاع نماینده دولت

در مواجهه با گزارشات ستاد اجرایی فرمان حضرت امام (ع) و طرح دعوی نهادهای ذی‌نفع، اداره کل منابع طبیعی و آبخیزداری استان مازندران طی لوایح متعدد، از اعمال حاکمیت حکومت اسلامی نسبت به اراضی موات خارج از محدوده شهرها و روستاها دفاع نموده است. در یکی از این لوایح که در مقام تجدیدنظرخواهی از یک دادنامهٔ مبطل رأی موات و سالب مالکیت دولت تحریر شده است، آمده است:

۱- به استناد تبصره ۱ و ۲ آیین‌نامه اجرایی قانون مرجع تشخیص اراضی موات و ابطال اسناد آن مصوب ۱۳۶۶/۷/۸، رأی هیأت هفت نفرهٔ تشخیص اراضی موات قابل اعتراض در دادگاه محل وقوع ملک می‌باشد. لذا به دلیل عدم صلاحیت دادگاه رسیدگی‌کنندهٔ دعوی مطروحه واجد ایراد بند ۱ ماده ۸۴ قانون آیین دادرسی مدنی است.

۲- به استناد ماده ۲ دستورالعمل مربوط به شناسایی، تشخیص، ممیزی و تملک اراضی ملی و دولتی با توجه به تبصره ۲ قسمت «ب» توافقنامه، رسیدگی به دعوی مطروحه در محاکم قضایی نسبت به اجرای قانون مرجع تشخیص اراضی موات و ابطال اسناد آن به سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور (سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری کشور) محول گردیده و با عنایت به اینکه این اداره کل طرف دعوی قرار نگرفته است، دعوی مطروحه واجد ایراد به استناد مفهوم مخالف ماده ۲ قانون آیین دادرسی مدنی است.

۳- قانون مرجع تشخیص اراضی موات و ابطال اسناد آن مصوب ۱۳۶۵ شمسی و آیین‌نامه اجرایی آن مصوب ۱۳۶۶ شمسی هیچ ارتباط موضوعی و حکمی با قانون زمین شهری و کمیسیون ماده ۱۲ موضوع قانون اخیرالاشاره ندارد. لذا تسری حکم ماده ۱۲ آیین‌نامه نحوه رسیدگی به پرونده‌های اصل ۴۹ به اراضی موضوع قانون مرجع تشخیص اراضی موات و ابطال اسناد آن، اجتهاد در مقابل نصی است که فقط اراضی موضوع قانون زمین شهری را مشمول آراء دادگاه اصل ۴۹ قانون اساسی دانسته است. قید مزبور در ماده ۱۲ آیین‌نامه مذکور احترازی و انتساب آن به نظر ولی

امر مسلمین مقام معظم رهبری حضرت آیت الله العظمی سیدعلی حسینی خامنه‌ای بدون تصریح معظّم له فاقد محمل قانونی و شرعی می‌باشد.

۴- اراضی موات جزء مصادیق انفال مذکور در آیه یکم سوره انفال است. در آیه یکم سوره انفال آمده است: «یسألونک عن الانفال قل الانفال لله و الرسول فاتقوا الله و اصلحوا ذات بینکم و اطیعوا الله و رسوله ان کنتم مؤمنین». اراضی موات موضوع اصل ۴۵ قانون اساسی که به موجب قانون مرجع تشخیص اراضی موات و ابطال اسناد آن مصوب ۱۳۶۵ شمسی تحت حاکمیت دولت قرار گرفته‌اند، به دلیل انصراف آشکار اجرای قانون مشروع (مرجع تشخیص اراضی موات) نسبت به مصادیق آن (اراضی موات بالاصاله) از مصادیق اصل ۴۹ قانون اساسی، تفکیک شده و دارای احکام متفاوتی می‌باشند. اراضی موات متعلق به حضرت بقیه‌الله الاعظم ارواحنا فداه و در دوران غیبت بنا به اتباع از نظر بنیانگذار حکومت جمهوری اسلامی ایران حضرت امام خمینی (ره) در اختیار حکومت اسلامی است. در سال ۱۳۶۵ شمسی با تصویب شایسته قانون مرجع تشخیص اراضی موات و ابطال اسناد آن، تشخیص اینگونه اراضی (موات بالاصاله - اظهر مصادیق اراضی انفالی) در خارج از محدوده قانونی شهرها و روستاها به عهده هیأت واگذاری زمین (هیأت هفت نفره) قرار داده شد که منویات قانونگذار متعهد به مبانی شرعی در دوران غیبت را با اجرای این قانون، تأمین می‌کرد. جهت و در واقع معیار اجرای قانون مرجع تشخیص اراضی موات، عدم احیاء ازلی عرصه تا سال ۱۳۶۵، جهت و معیار مصادره اموال مبطل‌السند، به موجب اجرای قانون مذکور، نامشروع بودن اموال تحصیلی بر اساس اصل ۴۹ قانون اساسی است. مغایرت و تفاوت قانونی و شرعی جهات موضوعات اصل ۴۵ و اصل ۴۹ قانون اساسی بدیهی به نظر می‌رسد. لذا دعوی خواهان مبنی بر ابطال رأی موات و الغاء مالکیت دولت، بدون ابطال جهت اجرای آن در دادگاه محل وقوع ملک، نه تنها خلاف قانون بوده بلکه با احکام شرعی مسلم مذهب رسمی کشور در تعارض است. لذا دعوی مطروحه واجد ایراد بند ۸ ماده ۸۴ قانون آیین دادرسی مدنی است.

۵- به استناد اصل ۴۹ قانون اساسی دولت موظف است ثروت‌های ناشی از ربا، غصب، رشوه، اختلاس، سرقت، قمار، سوءاستفاده از موقوفات، سوءاستفاده از مقاطعه‌کاری‌ها و معاملات دولتی، فروش زمین‌های موات و مباحات اصلی، دایر کردن اماکن فساد و سایر موارد غیرمشروع را گرفته و به صاحب حق رد کند و در صورت معلوم نبودن او به بیت‌المال بدهد. این حکم باید با رسیدگی و تحقیق و ثبوت شرعی به وسیله دولت اجراء شود». بنابراین این اداره کل از محضر ریاست محترم شعبه مرجع الیه تجدیدنظر تقاضا دارد که اراضی موات بالاصاله را طبق تکلیف مقرر در اصل ۴۹ قانون اساسی از مدعیان آن گرفته و به دولت جمهوری اسلامی ایران رد کند. چگونه است که تجدیدنظرخوانده در حالی که شمول وصف موات نسبت به عرصه موضوع خواسته کاملاً آشکار است، از دادگاهی که خود بزرگترین حامی حاکمیت دولت بر اراضی موات بالاصاله (اصل ۴۵ قانون اساسی) و موظف به رد آن به حکومت اسلامی است، ابطال رأی موات و الغای مالکیت دولتی را مطالبه می‌کند؟! در واقع، به استناد تصریح اصل ۴۵ قانون اساسی بعد از احراز وصف موات، دادگاه اصل ۴۹ موظف است اراضی موات را از مدعیان آن من جمله تجدیدنظرخوانده گرفته و به متولی انفال (این اداره کل) مسترد نماید و یا در دعوی حاضر با رد دعوی خواهان، درصدد تثبیت و ابقاء مالکیت دولت برآید. درحالی که به طریقه عکس با در نظر گرفتن صحت تشخیص اراضی موات به موجب صدور دادنامه معترض عنه

مالکیت دولت توسط دادگاه اصل ۴۹ سلب و بر عرصه انفالی ید غیرمستولی می‌شود. بنابراین به استناد اصل ۴۹ قانون اساسی خواهشمند است دعوی تجدیدنظرخوانده رد و مالکیت دولت نسبت به عرصه موضوع خواسته تثبیت شود. ایرادات نماینده دولت به دادنامه صادره از شعبه دادگاه ویژه اصل ۴۹ قانون اساسی دارای دو بخش شکلی و ماهوی است که در ادامه بر همین اساس، اقدام دادگاه اصل ۴۹ قانون اساسی مورد بررسی و تحلیل انتقادی قرار می‌گیرد.

۵- بررسی فقهی و حقوقی اقدام دادگاه اصل ۴۹ قانون اساسی

۵-۱- ایراد صلاحیت دادگاه اصل ۴۹

ابطال رأی موات به موجب تبصره ۱ ماده واحده قانون مرجع تشخیص اراضی موات و ابطال اسناد آن مصوب ۱۳۶۵ شمسی و تبصره ۱ ماده ۳ آیین‌نامه اجرایی قانون مذکور در صلاحیت دادگاه محل وقوع ملک است. لذا آرای صادره از دادگاه اصل ۴۹ قانون اساسی استان مازندران مبنی بر ابطال رأی موات موضوع قانون مذکور و ابطال سند مالکیت دولت، خارج از حدود صلاحیت دادگاه اصل ۴۹ قانون اساسی می‌باشد. بنابراین ایراد متولی انفال نسبت به ورود دادگاه اصل ۴۹ قانون اساسی در خصوص خواسته ابطال رأی موات هیأت هفت نفره، وارد است. شایان ذکر است که منشأ صلاحیت ادعایی دادگاه اصل ۴۹ قانون اساسی در خصوص رسیدگی به خواسته ابطال رأی موات هیأت واگذاری، مبتنی بر تسری حکم استثنایی ماده ۱۲ اصلاحیه آیین‌نامه نحوه رسیدگی به پرونده‌های اصل ۴۹، به اراضی موات بالاصاله تشخیصی از سوی هیأت هفت نفره می‌باشد.

۵-۲- ابطال رأی موات صادره از هیأت به موجب گزارش ستاد اجرایی فرمان حضرت امام (ره)

گزارش ستاد اجرایی از شناسایی اموال اشخاص مشمول قانون مرجع تشخیص اراضی موات، بر اساس استعلام ثبتی و دائر فرض نمودن مالکیت شخص مسلوب‌المالک، تدوین می‌گردد. این گزارشات مبتنی بر پیش‌فرض تسری احکام ماده ۱۲ اصلاحیه آیین‌نامه نحوه رسیدگی، نسبت به اراضی تشخیصی هیأت هفت نفره مطرح شده و در قالب دادخواست حقوقی طرح نمی‌شوند. در این خصوص باید توجه داشت که هیچ دعوی از سوی شخص مسلوب‌المالک مبنی بر ابطال رأی موات به طرفیت متولی انفال طرح نشده و ستاد اجرایی نیز مالک عرصه نبوده و در گزارش خود، نماینده دولت و مالک فعلی عرصه موات را به عنوان خوانده یک دعوی حقوقی، مخاطب قرار نمی‌دهد. در واقع دفتر شعبه دادگاه اصل ۴۹ قانون اساسی استان مازندران به متولی انفال اخطار می‌کند که در جلسه رسیدگی به گزارش ستاد اجرایی حضور یابد. اگر دفتر دادگاه اصل ۴۹ قانون اساسی استان مازندران چنین اقدامی را صورت ندهد، تنها راه متولی انفال در دفاع از حقوق دولت، اعتراض به دادنامه‌هایی با موضوع ابطال رأی موات هیأت و ابطال سند مالکیت دولت است. بنابراین به نظر می‌رسد با توجه به عدم تکلیف قانونی دفتر دادگاه در اخطار به متولی انفال و مفروض بودن تسری استثنای ماده ۱۲ اصلاحیه آیین‌نامه نحوه رسیدگی، به اراضی موات

تشخیصی هیأت هفت نفره از نظر دادگاه اصل ۴۹ قانون اساسی استان مازندران و ستاد اجرایی، سلب مالکیت دولت بدون حضور آن در جلسات رسیدگی کاملاً متوقع، و اعتراض ثالث به دادنامه‌های اصداری، تنها شکل قانونی دفاع از منافع دولت است. البته طرح دعوی ابطال رای موات در دادگاه اصل ۴۹ قانون اساسی استان مازندران (دادگاه غیرصالح به رسیدگی) به طرفیت متولی انفال و به خواسته ابطال رای موات و ابطال سند مالکیت دولت، اتفاق نادری محسوب نمی‌شود. اما این نوع از گزارشات که در قالب دعوی حقوقی طرح نمی‌شوند، موجبات محکومیت شخص ثالثی را فراهم می‌آورند که مالک قانونی و شرعی عرصه محسوب شده و همین مالک قانونی، مالکیت شخص حقیقی را که اموالش مصادره شده است را به موجب اجرای قانون مرجع تشخیص اراضی موات، سلب نموده است.

در هر صورت عدم رعایت مقررات صلاحیت در رسیدگی، و مفروض بودن شمول ماده ۱۲ اصلاحیه آیین‌نامه نحوه رسیدگی، نسبت به اراضی موات خارج از محدوده شهرها و روستاها از سوی دادگاه اصل ۴۹ قانون اساسی استان مازندران و ستاد اجرایی، باعث شده است که برخلاف رویه دادگاه‌های صالح محل وقوع ملک، در خصوص ماهیت عرصه قبل از سال ۱۳۶۵ شمسی توسط دادگاه اصل ۴۹ کنکاشی صورت نپذیرفته و رای موات با ملاحظه دادنامه‌های موضوع مصادره، مورد بررسی و ارزیابی قرار گرفته که نتیجه آن ابطال رای موات و سلب مالکیت دولت است.

۵-۳- ایرادهای ماهوی

۵-۳-۱- ایراد غیرقانونی بودن تسری حکم ماده ۱۲ آیین‌نامه نحوه رسیدگی به اراضی موضوع قانون مرجع تشخیص اراضی موات

در ماده ۱۲ آیین‌نامه نحوه رسیدگی به پرونده‌های اصل ۴۹، صراحتاً املاک توقیفی از شمول مقررات موضوع ماده (۱۲) قانون زمین شهری استثناء شده‌اند. نظر به این که قانون زمین شهری و قانون مرجع تشخیص اراضی موات و ابطال اسناد آن، چه از نظر موقعیت مکانی اراضی موضوع اجرای قوانین و چه از نظر احکام متعلقه به این اراضی با یکدیگر متفاوت می‌باشند، لذا تسری حکم ماده ۱۲ آیین‌نامه نحوه رسیدگی به اراضی موات موضوع قانون مرجع تشخیص اراضی موات و ابطال اسناد آن، اجتهاد در مقابل نص است. شایان ذکر است تسری حکم ماده ۱۲ آیین‌نامه نحوه رسیدگی از اراضی موات شهری به اراضی موات واحد قانون مرجع تشخیص، تنها در خصوص عدم شمول مقررات نبوده و بسیار دیده شده است که نهاد ذی‌نفع از مجری قانون مرجع تشخیص اراضی موات، احکام اختصاصی مذکور در قانون زمین شهری را مطالبه می‌کند! این در حالی است که مجریان قانون مکلف به اجرای قانون و آیین‌نامه‌های اجرایی آن هستند و مجری قانون مرجع تشخیص اراضی موات و ابطال اسناد آن، قادر به اجرای محکومیت‌هایی بر مبنای تکالیف مجری قانون زمین شهری نمی‌باشد. خروج اراضی موات شهری از شمول قانون زمین شهری نیز به موجب فرمان حکومتی صورت پذیرفته و غیرقابل تسری به غیر مورد آن است. در این خصوص در لایحه اداره حقوقی اداره کل منابع طبیعی آمده است: «قید مزبور (زمین شهری) در ماده ۱۲ آیین‌نامه مذکور،

احترازی و انتساب آن به نظر ولیّ امر مسلمین مقام رهبری حضرت آیت-الله العظمی سیدعلی حسینی خامنه‌ای بدون تصریح معظّم‌له فاقد محمل قانونی و شرعی می‌باشد.» قید احترازی به این معنی است که وقتی در کلیه آیین‌نامه‌های مرتبط با اراضی مواتِ مشمول احکام موضوع توقیف و مصادره، تنها سخن از استثناء شدن اراضی مواتِ موضوع قانون زمین شهری است، دادگاه اصل ۴۹ قانون اساسی استان مازندران به چه دلیلی این استثناء را متسرّی به اراضی مواتِ خارج از محدوده شهرها و روستاها - موضوع ماده واحده قانون مرجع تشخیص اراضی موات و ابطال اسناد آن - دانسته و حتی تکالیف مذکور در قانون زمین شهری را بر اساس درخواست نهاد ذی‌نفع، از مجری قانون مرجع تشخیص اراضی موات مطالبه می‌نماید؟! رویه قضایی نمی‌تواند قید احترازی (اراضی موات شهری) را که بر اساس فرمان حکومتی برقرار گردیده؛ بدون تصریح ولی امر مسلمین، به کلیه اراضی موات من‌جمله اراضی مواتِ خارج از محدوده شهرها و روستاها تسرّی دهد. حکم حکومتی بر مبنای اراده صاحب فرمان صادر می‌شود و دادگاه‌های اصل ۴۹ قانون اساسی نمی‌توانند با صدور احکام مکرر، نسبت به توسعه اراده صاحب فرمان اقدام نمایند. فرامین ولی فقیه از اراده شخص ولی فقیه نشأت گرفته و منحصرأ بر موضوعات و احکام تصریح شده در فرمان، قابل حمل و اجراست. ضمن اینکه دادگاه اصل ۴۹ قانون اساسی استان مازندران، در برخی از موارد، استدلال به عدم شمول ماده ۱۲ آیین‌نامه نحوه رسیدگی نسبت به اراضی مواتِ خارج از محدوده را پذیرفته و مورد استناد قرار داده است. پذیرفتن تسرّی حکم ماده ۱۲ اصلاحیه آیین‌نامه نحوه رسیدگی در بعضی از موارد و نپذیرفتن آن در موارد دیگر، موجب تبعیض ناروا است. ضمن اینکه آراء صادره از دادگاه اصل ۴۹ قانون اساسی استان مازندران، منحصرأ متکی به تسرّی مفاد ماده ۱۲ اصلاحیه آیین‌نامه نحوه رسیدگی به اراضی مواتِ تشخیصی هیأت صادر می‌شوند. با توجه به این وحدت اتکاء، اعمال این تسرّی در بعضی موارد و عدم تسرّی آن در بعضی موارد دیگر، ترجیح بلا مرجح محسوب و نظر به حتمی بودن اعمال نوعی از ترجیح غیرمبتنی بر نص ماده ۱۲ اصلاحیه آیین‌نامه رسیدگی، فراهم بودن موجبات وهن آراء صادره، کاملاً متوقع خواهد بود.

۵-۳-۲- ایراد مغایرت با فقه مذهب رسمی کشور

انفال در اصل ۴۵ قانون اساسی و قانون مرجع تشخیص اراضی موات و ابطال اسناد آن مصوب ۱۳۶۵، در واقع جلوه قانونی احکام دائمی شرعی هستند. بنابراین دادگاه اصل ۴۹ قانون اساسی، نمی‌تواند مالکیت شخصی را که به صورت مشروع و یا نامشروع برای اراضی موات سند تهیه کرده است، دائر فرض نموده و با مصادره و فروش ملک وی، وصف انفالی را بدون بررسی صحت تشخیص و جهت اعمال آن زائل نماید. اراضی موات جزء انفال و بر اساس فقه مذهب رسمی کشور در دوران غیبت در اختیار حکومت اسلامی قرار دارند. بنابراین بدون ابطال اجرای قانون، حکم شرعی به صورت بلامعارض نسبت به موضوع خود قابل حمل است و با تشخیص قانونی، حاکمیت دولت جمهوری اسلامی ایران در دوران غیبت، جنبه عینی و اجرایی پیدا می‌کند.

دادگاه اصل ۴۹ قانون اساسی با احراز وصف مواتِ بالاصاله و در نظر گرفتن اجرای کامل مقررات قانون مرجع تشخیص اراضی موات و ابطال اسناد آن، موظف است بعد از شناسایی ملک، آن را به حکومت اسلامی مسترد نماید. بنابراین بر اساس نصّ خود اصل ۴۹ قانون اساسی، دادگاه اصل ۴۹ قانون اساسی نباید اقدام به سلب مالکیت دولت و زوال وصف انفالی نماید. نهاد ذی‌نفع به عنوان قائم مقام قانونی در صورتی که رأی موات را صحیح و صائب ندانسته و به اجرای آن معترض باشد، می‌تواند به دادگاه محل وقوع ملک مراجعه و اعتراض خود را تقدیم نماید. دادگاه، رسیدگی می‌نماید و در صورتی که اعتراض معترض را وارد بداند، رأی موات صادره از هیأت هفت نفره را باطل و وصف انفالی را زائل می‌نماید. در غیر این صورت، با رد اعتراض نسبت به پلاک ثبتی موضوع اعتراض، هرگونه اعتراض دیگری از جمله اعتراض اشخاص مسلوب‌المالکیه مسموع نبوده و دارای اعتبار امر قضاوت‌شده است.

۶- تأخر رأی موات از حکم صادره

در خصوص عدم تسری حکم ماده ۱۲ اصلاحیه نحوه رسیدگی به پرونده‌های اصل ۴۹ قانون اساسی به اراضی موضوع قانون زمین شهری، شرح و توضیح ارائه شد. اکنون شایسته است دلیل دیگری که بعد از تسری ناصواب حکم ماده ۱۲ آیین‌نامه نحوه رسیدگی، در آراء دادگاه اصل ۴۹ قانون اساسی استان مازندران ذکر می‌شود، مورد مذاقه قرار گیرد.

تردید وجود ندارد که بدون ابطال اجرای قانون، حکم شرعی به صورت بلامعارض نسبت به موضوع خود، قابل حمل است و با تشخیص قانونی اراضی مواتِ بالاصاله، مالکیت دولت جنبه عینی پیدا می‌کند. بنابراین با توجه به ابدی بودن احکام فقه مذهب امامیه، تهیه سند و مدرک مشروع و یا نامشروع برای اراضی مواتِ بالاصاله در برهه‌ای از زمان، اثری در تعلق حکم شرعی لازم‌الاتباع نسبت به اراضی مواتِ بالاصاله نخواهد داشت. ضمن اینکه به موجب قانون مرجع تشخیص اراضی موات و ابطال اسناد آن، اسناد و مدارکی که بر وجه مشروع و یا نامشروع برای این گونه از اراضی تهیه شده‌اند، باطل شده است. بر این اساس، صادره اموال نامشروع قبل از تشخیص اراضی موات که به عنوان جلوه قانونی اجرای حکم شرعی قلمداد می‌شود، باعث زوال وصف انفالی نشده و وصف انفالی تنها با اثبات خطای در تشخیص، در دادگاه محل وقوع ملک، قابل ابطال است. بنابراین استدلال به تأخر رأی موات نسبت به رأی صادره، در جهت تشیید مبانی سلب مالکیت دولت، صحیح نمی‌باشد. جهت اجرای قانون مرجع تشخیص اراضی موات، عدم احیاء ازلی عرصه تا قبل از سال ۱۳۶۵ است که این جهت هیچگاه از اعمالی مانند تهیه مدرک و سند مالکیت و مصادره بعدی آن از سوی دادگاه انقلاب و یا دادگاه اصل ۴۹ قانون اساسی متأثر نمی‌شود.

نتیجه‌گیری

به دلایل پیش گفته، ابطال رأی موات هیأت واگذاری و احیاء اراضی توسط دادگاه اصل ۴۹ قانون اساسی استان مازندران، هیچ توجیه شرعی و قانونی نداشته و پذیرفتن تسری حکم ماده ۱۲ اصلاحیه آیین نامه نحوه رسیدگی در بعضی از موارد و نپذیرفتن آن در موارد دیگر، موجبات تبعیض ناروا و وهن آراء قاطع دادگاه را فراهم می آورد. بنابراین پیشنهاد می شود در صورت اجرای قانون مرجع تشخیص اراضی موات و ابطال اسناد آن مصوب ۱۳۶۵ توسط هیأت واگذاری و احیاء اراضی، بعد از مصادره و یا توقیف سند شخص مسلوب المالک، نهاد ذی نفع به قائم مقامی ^{مبانی فقهی حقوق اسلامی} شخصی که اموال وی موضوع حکم مصادره قرار گرفته است، در دادگاه محل وقوع ملک، نسبت به طرح دعوی ابطال رأی موات اقدام نموده و در صورت عدم توفیق در ابطال رأی موات، مالکیت دولت نسبت به اراضی موات بالاصاله خارج از محدوده شهرها و روستاها تثبیت گردد.

منابع

- بهنام رودسری، حسین (۱۳۷۸)، چگونگی رسیدگی به پرونده های موضوعی اصل ۴۹ قانون اساسی در دادگاه های انقلاب، مجله کانون وکلا، شماره ۲۰۰ و ۲۰۱، ۶۹ - ۸۴.
- حیدرپور، احمد (۱۳۹۲)، ترجیح بلا مرجح و اختیار، تحقیقات کلامی، شماره ۱، ۱۰۱.
- خمینی، سید روح الله (۱۴۲۳ق)، ولایت فقیه، چ ۱۲، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (قدس سره).
- خمینی، سید روح الله (۱۴۲۲ق)، استفتائات، چ ۵، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- دفتر حقوق و بازرسی سازمان جنگلها و مراتع کشور (۱۳۸۰)، مجموعه قوانین منابع طبیعی کشور، چ ۱، تهران: نقش سبحان.
- شمس، عبدالله (۱۳۹۸)، آئین دادرسی مدنی، ج ۱، چ ۳۹، تهران: انتشارات دراک.
- عباسی، بیژن؛ سهرابلو، علی؛ شهسوار، احسان (۱۳۹۷)، رویه قضائی در حقوق عمومی معاصر، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، شماره ۴۸، ۶۳۹ - ۶۵۹.
- محقق داماد، سید مصطفی (۱۴۰۶ق)، قواعد فقه، چ ۱۲، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
- منتظری، حسینعلی، مترجم؛ صلواتی، محمود و شکوری، ابوالقاسم (۱۴۰۹ق)، مبانی فقهی حکومت اسلامی، چ ۱، قم: مؤسسه کیهان.
- مداحی-نسب، مصطفی؛ مسلمی، یوسف (۱۳۹۴)، بررسی تطبیقی حیات و احیای اراضی موات با قاعده تصرف در نظام حقوقی عرفی ایالات متحده آمریکا، فصلنامه حقوق انرژی، دوره ۱، شماره ۱.
- مصباحی مقدم، غلامرضا (۱۳۸۷)، نگاهی نو به مسئله احیای زمین های موات، فصلنامه اقتصاد اسلامی، شماره ۳۰.
- موسوی بجنوردی، سیدمحمد (۱۳۸۳)، انفال و فیء اراضی موات، پژوهشنامه متین، شماره ۲۲.
- زورمند، مریم؛ احمدی، حسین؛ عباسپور، رضا (۱۴۰۲)، حکم احیاء اراضی موات، فصلنامه اندیشه حقوقی معاصر، دوره ۴، شماره ۳.
- کریمی خنجری، فرزاد؛ هاشمی گلیجانی، مهدی (۱۴۰۰)، ارزیابی صلاحیت کمیسیون ماده ۱۲ اراضی شهری مطابق رویه دادگاه ها در ارتباط با سیاست گذاری دولت برای رفاه عمومی، فصلنامه برنامه ریزی و توسعه محیط شهری، دوره ۱، شماره ۳.

- اصغری، عبدالرضا؛ ربیع، مهدی (۱۳۹۶)، تحلیل سیاست جنایی مبتنی بر ابزار اداری دولت در قبال اراضی دولتی، فصلنامه پژوهش ملل، شماره ۱۶.
- آقاخانی سنجانی، محمد؛ فقیه حبیبی، علی (۱۳۹۹)، نگرشی تحلیلی به مرجع صالح برای رسیدگی به شکایات مطروحه نسبت به آرای صادره از سوی کمیسیون ماده ۱۲ قانون زمین شهری، مجله پژوهش و مطالعات علوم اسلامی، دوره ۲، شماره ۱۴.
- امین فرد، محمد؛ مشکانی، زینب (۱۳۹۲)، تأثیر حکومت سیاسی بر حکم فقهی استفاده از انفال در دوران غیبت از دیدگاه شیعه، فصلنامه حکومت اسلامی، شماره ۶۹.
- رضایی زاده، محمدجواد؛ امینی طامه، علیرضا (۱۳۹۸)، الگوی مطلوب رویکرد فقهی - حقوقی در حدود دخالت دولت در مالکیتی خصوصی، پژوهش نامه حقوق اسلامی، دوره ۲۰، شماره ۱.
- حبیبی، محمدحسن؛ نجارزاده هنجنی، مجید (۱۳۸۸)، ملاک تمیز انفال و نسبت آن با سایر عناوین مالکیت عمومی، فصلنامه حقوق خصوصی، دوره ۶، شماره ۱۵.
- خواجهوند، مظاهر؛ پوراسکندر، عادل (۱۳۹۶)، مصادره اموال در حقوق ایران با تأکید بر رویه دادگاه اصل ۴۹ قانون اساسی، مجله پژوهش ملل، دوره ۲، شماره ۲۲.
- فصیحی زاده، علیرضا؛ حیدری، اعظم (۱۳۹۵)، تحلیل تطبیقی مفهوم، اسباب حدوث، انتقال و زوال ملکیت و حق در حقوق ایران و فرانسه، دوفصلنامه حقوق تطبیقی، دوره ۱۳، شماره ۲.
- تارم، میثم؛ طباطبایی، سیده فاطمه؛ مددی زاده، فرزانه (۱۳۹۸)، ماهیت و احکام اراضی موات در فقه اسلامی، فصلنامه پژوهش های فقهی، دوره ۱۵، شماره ۱.
- مسعودمقدم، یاسر؛ بهمن پوری، عبدالله؛ اسفندیاری، احمد (۱۴۰۲)، بررسی و نقد قوانین منع احیای اراضی موات و مقایسه آنها با متون فقهی، فصلنامه اقتصاد اسلامی، دوره ۲۳، شماره ۸۹.
- رودگرمی، پژمان؛ عموزاده مهدیرجی (۱۳۹۸)، پالش ها و مشکلات قوانین و مقررات کشور در حفظ جنگل ها و مراتع، مجله جنگل ایران، دوره ۱۱، شماره ۱.
- حسینی سروستانی، سیده فرانک (۱۴۰۱)، ابطال حکم موات بودن اراضی و چالش های متعاقب آن برای محاکم قضایی (نقد و بررسی آراء شعبه ۲۱۱ دادگاه حقوقی تهران و شعبه ۱۲ دادگاه تجدیدنظر استان تهران)، دوفصلنامه نقد و تحلیل آراء قضایی، دوره ۱، شماره ۲.
- رسولی سرآسیایی، حسین؛ ایزدی فرد، علی اکبر؛ زارعی، محمدمهدی (۱۴۰۲)، بررسی فقهی عملیات تشخیص اراضی موات، فصلنامه مطالعات فقه و حقوق اسلامی، دوره ۱۵، شماره ۳۲.

